

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل
۰۲ جون ۲۰۲۲

"بز در غم جان کندن، قصاب در غم چربو"

چهارشنبه- ۱۱ جوزای ۱۴۰۱ - کابل: هرگاه به خبر های امروز دقت نموده باشید، از نظر من مهمترین خبر، اخاذی زورگویانه طالب و نظام ملا سالار از دهقانان کشور به نام زکات بود. این خبر را بعد از شکایت دهقانان ولایت بغلان، [مولوی نعمت الله، آمر امور زراعتی ریاست زراعت و آبیاری ولایت بغلان به طلوع نیوز گفت: «ما نصف عشر را جمع می‌کنیم، اگر کسی صد سیر گندم برداشت می‌کند، ده سیر عشر است، ما نصف آن را یعنی پنج سیر را می‌گیریم. بعد از گندم، جمع‌آوری شالی شروع می‌شود که به همین سلسله جمع‌آوری می‌کنیم.»] در یادداشت امروز مکث کوتاهی در همین زمینه خواهیم داشت:

۱- این که زکات در تمام اسلام شامل تمام مذاهب یکی از واجبات است و حتا در تسنن یکی از "۵ بنای مسلمانی" شمرده می‌شود، در آن هیچ شک و تبصره ای وجود ندارد زیرا تمام شناسان قبول و جوب آن را یک امر غیر قابل انکار دانسته، منکر آن را مرتد معرفی داشته اند. اما این که زکات بر چه کسی و کدام وقت واجب می‌گردد و اندازه اخذ آن تابع کدام شرایط است و به چه چیز هائی زکات وجوب می‌یابد، بحثی است که می‌باید روشن شود.

۲- تا جایی که از مطالعه کتب اسلامی بر می‌آید، شرایط وجوب زکات نکات ۶ گانه آتی می‌باشد: بلوغ، عقل، آزاد بودن، مالک بودن، متمکن بودن از تصرف در مال متعلق زکات (یعنی مالکیت وقفی نباشد) و نصاب.

هرگاه خواسته باشیم عملی را که امروز طالب با زور برچه و میله تفنگ خود می‌خواهد زیر نام و در پناه اسلام بر دهقانان فقیر و گرسنه ما تطبیق دارد، ارزیابی نماییم دیده می‌شود که پرداخت زکات مطلقاً از دوش دهقانان بی زمین کم زمین ساقط می‌گردد.

دلیل چنین استنباطی عمدتاً دو نکته از شرایط وجوب زکات می‌باشد:

الف: دهقانان بی زمین و آنهایی که بر روی زمین دیگران کار می‌کنند، چون مالک زمین نیستند و با فروش نیروی کار خودشان زندگانی می‌نمایند و باز هم از دید اسلام هر فردی مالک و صاحب حاصل کار خودش می‌باشد، لذا شرط وجوب زکات در آنها وجود ندارد، از همین رو نباید زکات بپردازند.

ب: شرط نصاب برای وجوب زکات، یکی از آن نکات اساسی است که نه تنها بر دهقانان بی زمین و مزدور وجوب زکات را ساقط می‌سازد، بلکه دهقانان کم زمین و خرده مالک و به همین سان مالداران کوچک و کاسبکاران ناتوان را نیز از پرداخت زکات معاف می‌سازد.

۳- این که یک ملا و یا آخذ که یک روز در تمام عمرش کار تولیدی نکرده، بیاید و از مردم به زور تفنگش و زیر نام اسلام زکات طالب نماید، بدان معنا نیست که که وقتی زکات اسم "عشر و یا ده یگ" را گرفت بر تمام حاصلات زراعتی زکات یک سان معین شود. یعنی در حالی که برای پرداخت زکات و تعیین مقدار آن، نوعیت زمین در رابطه با سیستم آبیاری نقش تعیین کننده دارد یعنی کشت للملی و کشتی که آب آن به خرید و یا کار اضافی نباشد و مصارفی چون واتر پمپ، و یا خرید آب را در قبال نداشته باشد، در صورت تکمیل کردن نصاب، همان "عشر" می گردد، در زمین های نامساعد و یا آب خریداری شده و یا کرایه وسایل تولید، این رقم به یک بیستم تنزیل می یابد.

هموطنان گرامی!

هرگاه به تاریخ گسترش اسلام در افغانستان و بقیه اراضی مفتوحه اسلامی در صدر اسلام نگریده شود، یکی از اساسی ترین عوامل پیروزی های پیهم مسلمانان و غلبه بر قدرتها و امپراتوری های بزرگ آن زمان در وجود امپراتوری ساسانی و روم شرقی، سیاست اقتصادی بالنسبه انسانی تر اسلام بود نسبت به سیاست اقتصادی در دو امپراتوری یادشده. یعنی دولتها و امپراتوری های مقتدر آن زمان جهت بقای شان، چنان مالیاتهای کمشکنی بر دهقانان، مالداران و اهل کسبه وضع نموده بودند که در آخر سال برای دهقان و مالدار چیزی آه حسرت و شلاق مباشر باقی نمی ماند، آنها به امید آن که به مثابه وسایل و ابزار تولید برای اربابان شان ارزش حیاتی بیابند، حاضر بودند از آزادی همراه با شکم های خالی شان بگذرند.

در چنان صورتی مسلم است وقتی ارتش های اسلامی با سیاست اقتصادی زکات و ارد میدان شدند و از مجموع حاصل آنها با در نظرداشت تکمیل شروط و وجوب زکات، ده یک زکات و یا همان مالیات اسلامی گرفتند، منفعت اقتصادی باعث شد تا میلیونها دهقان و اهل کسبه، جهت نجات جان شان دیانت اسلام را بپذیرند.

هموطنان گرامی!

وقتی اینک طالب و نظام ملاسالار از مردم گرسنه افغانستان می خواهند، تا نان بخور و نمیر شان را به آخذ و ملا بدهند تا حاکمیت جبارانه شان را تحکیم و شکم های سیری ناپذیر قشر خودشان را سیر نمایند، می شود گفت نخستین علایمی است که طالب از لحاظ طبقاتی در مسیر نابودی خویش گام بر می دارد. تعمیم این سیاست ضد انسانی بالای دهقانان گرسنه، نتیجه ای جز خیزش های دهقانی با ماهیت و شعار طبقاتی به همراه نخواهد داشت.

با در نظرداشت چنین شرایطی دقیقاً زمان آن رسیده است که نهاد های انقلابی که مبارزه طبقاتی را بخشی از انجام وظایف شان می دانند با هويت، سیاست و شعار مشخص اقتصادی خود وارد میدان شده، میلیونها دهقان افغانستان را که بر مبنای عقب ماندگی فکری و تعلقات مذهبی، در تمام بیش از ۴ دهه اخیر به مثابه سیاهی لشکر اسلام سیاسی مورد سوءاستفاده قرار گرفته است، به منافع طبقاتی آنها آشنا ساخته، آنها را به مثابه نیروی درهم کوبنده فئودالیسم و امپریالیسم سازماندهی نمایند.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!